

مرجئه گروهی
در صدر اسلام
بودند که
صرف ایمان
قلبی را کافی
می دانستند و
عمل را در ایمان
فاقد اثر. طالبان
نیز بر این باورند
که با صرف
شهادتین شبه
نظامیان سازمان
اطلاعات
پاکستان و
سازمان سیا
و نظامیان
پاکستانی
و افغانی
مسلمان اند

در ایبت آباد پاکستان شهید نشد. این مسئله یک صحنه سازی بود. نسل دوم طالبان با این شایعه، می خواست مجاهدین را مرتبط با پاکستان و امریکا نشان دهد. پاکستان با رسانه هایش طوری افغان ها را فریب داده که گویا فقط با دولت دموکراتیک افغانستان دشمنی دارد و با طایفه منصور در سازش به سر می برد. کفار غربی با منسوب کردن رهبر طایفه منصور به پاکستان، می خواستند اسامه را بدنام کرده و او را ابزار دست بیگانگان معرفی کنند.

حکیم الله محسود و تکفیر نظام پاکستان

حکیم الله محسود با تمسک جستن به آیه ۴۴ سوره مائده، نظام پاکستان را تکفیر می کند. او در یک سخنرانی با محکوم کردن قاضی حسین، وطن پرستی را نفی کرده و آن را محبت نداشتن نسبت به اسلام و گریایدن به سکولاریسم می داند. قاضی حسین نظام پاکستان را مشروع می دانست. این در حالی است که طالبان امروز خود را منسوب به حکیم الله محسود و شعرا هایش می داند.

طالبان فعلی و پاکستان

امریکا در زمان اشغال افغانستان توسط روس ها، به مجاهدین از طریق سازمان اطلاعات پاکستان، کمک رسانی می کرد. اسلام آباد با حمایت از طالبان در پی بهتر اجرا شدن پروژه امریکایی دموکراسی در افغانستان است. آنها دست به پاکسازی افراد مخالف با دموکراسی نیز در طالبان زدند. در ساختار طالبان فرماندهانی وجود دارند که در گذشته جاسوس آی. اس. آی و سیا بوده اند و از جمله آنان می توان به عباس استانکزی اشاره داشت. پاکستان سعی در به کنترل در آوردن رسانه های طالبان نیز داشته و مخفی کردن مرگ ملا محمد عمر از ابتکارات آنها بوده است. آنها از طریق این رسانه ها به سود سکولاریسم بهره می برند. رهبری طالبان به دستور طالبان فتوای قتل آن دسته سرانش را که عقیده سالم داشته اند صادر نموده است. به دستور امریکا در رسانه های وابسته به دولت افغانستان علیه نظام مرتد پاکستان تبلیغ می شود اما در واقع، این دو نظام از یک قانون پیروی می کنند.

نام های جدانشدنی ملا عمر و اسامه بن لادن و مذاهب آنها

غرب با قوانین خود و پیروی برخی از آن سبب بروز شکافی عمیق در بین مسلمانان گشته است. ملا محمد عمر و اسامه بن لادن در برابر کفر متحد شدند و خود را قربانی کردند. ملا محمد حنفی مذهب بود اما نسبت به مهاجرین عرب عصبیت نداشت و آنها را وهابی خطاب نمی کرد. این دو علیه چهره های کفر و سکولاریسم قیام کردند و هیچگاه مسئله ملی گرای سبب نشد کسی چون ملا محمد پشت عرب های مهاجر که فریضه جهاد را به جای می آوردند، نایستند. دین اسامه بن لادن اسلام بود و ملا محمد هیچگاه او را وهابی خطاب نکرد. طالبان در برابر کسانی ایستاده که قوانین کفر بین المللی را قبول ندارند و همه جهان را تحت یک رهبری می خواهند.

طالبان اکنون پیروان کدام مذهب و دین هستند؟

مرجئه گروهی در صدر اسلام بودند که صرف ایمان قلبی را کافی می دانستند و عمل را در ایمان فاقد اثر. طالبان نیز بر این باورند که با صرف شهادتین شبه نظامیان سازمان اطلاعات پاکستان و سازمان سیا و نظامیان پاکستانی و افغانی مسلمان اند. آنها به خاطر اینکه ما نظامیان افغان و پاکستانی را به خاطر تفکر دموکراتیک شان تکفیر می کنیم، تکفیری و خوارج می نامند. با توجه به آیات ۲-۴ سوره انفال و ۱۰۱ سوره مومنون اعمال جزء ایمان است و تفکر مرجئه طالبان سبب ترویج بی بندوباری، ترک واجبات و انجام محرمات و تعطیل شدن امر به معروف و نهی از منکر خواهد شد. این حنفیت خود ساخته طالبان است که معتقدان به نظام دموکراسی را تکفیر نمی کند.

اوصاف خوارج در بین طالبان

از علامت های خوارج این است که به کفار کاری ندارند اما مومنان را به قتل می رسانند. طالبان نیز